



شرایط مرگبار کارگران معدن

بدون استفاده از مواد اولیه معدن، بخش عظیمی از تولید انجام نخواهد گرفت. لذا تولیدات



سرمایه‌داری بستگی تمام و کمال به کار نیروی استخراج کننده دارد. بنابراین ما این

مسأله را در دو سطح داخلی و بین‌المللی بررسی می‌کنیم:

۱- در سطح داخلی:

ایران دارای حدود صد ماده معدنی غیر نفتی‌ست، «نتایج یک گزارش نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد معادن کشور متعلق به بخش خصوصی است...» (ایسنا، مهر ۱۴۰۰) ادامه در صفحه ۴

هشت مارس ۲۰۲۴

هشت مارس در شرایط امروزه بین‌المللی

هشت مارس، روز جهانی زن، بیانگر ستم و مقاومت در جامعه سرمایه‌داری‌ست.



تعدادی از زنانی که در ۱۹۰۸ در آتش سوختند

ستم بر زنان و مقاومت حماسی آنها علیه ستم سرمایه‌داری. این مبارزه متشکل

برای اولین بار در ۱۸۵۷ در کارخانه کتان در نیویورک علیه کمی دستمزد، شرایط ناامن کار و ستم و سرکوب حاکم در کارخانه، برپا می‌گردد. ۵۰ سال بعد در ۲۸ فوریه ۱۹۰۹ از زنان کارگر همان کارخانه در یاد بود آن مبارزه کار را تعطیل و اعتصاب می‌کنند. رئیس کارخانه آنها را در قسمتی از کارخانه محبوس کرده و با همدستی پلیس آنها را به آتش می‌کشد. ادامه در صفحه ۲

مضحکه "انتخابات" رژیم سرمایه‌داری ایران مفتضحانه شکست خورد.

با تمام تلاش‌های مذبذبه‌انگانه‌ای که حاکمین ایران در جمع کردن آراء، کردند به قول



خودشان ۴۱ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت نمودند.

همین عدد جعل شده عدم مشروعیت رژیم ایران را نشان می‌دهد.

ما در کمون شماره ۳۲ به تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۲۴ نوشتیم: «مردم ایران در مدت بیش از ۴۰ سال با گوشت و پوست و استخوان ادامه در صفحه ۱۱»

توهم نسبت به بورژوازی فرو میریزد.

جامعه بشری با سرعت و همه جانبه در تدارک انقلاب سوسیالیستی به پیش می‌رود. نزدیکی و یا دوری از انقلاب سوسیالیستی، بستگی به رشد تضادهای بنیانی سیستم جهانی امپریالیستی دارد. هر چه این تضادها رشد یافته‌تر باشند، انقلاب جهانی نزدیکتر میشود.

یکی از فاکتورهای که از رشد این تضادها شکل می‌گیرد، رشد می‌یابد و تقویت میشود، آگاهی توده‌های کار و زحمت از کلیه ادامه در صفحه ۸

نقدینگی در اقتصاد ایران

برای ایجاد زبان مشترک لازم می‌دانیم دو واژه "نقدینگی" و "اقتصاد" را که هر روز آن را میشوینیم و با آن سر و کار داریم، کاملاً منسجم توضیح دهیم.

نقدینگی چیست:

نقدینگی مقدار پول نقد و یا دارائی‌هایی است که بتواند سریع به پول نقد تبدیل شود، مثل وجه موجود در



سپرده‌های دیداری و چک و سفته و غیره. نقدینگی را می‌توان خرج کرد و یا وام داد. در نتیجه ادامه در صفحه ۶

بیشتر از مرگ بترسیم

نظر به اینکه

موفق نمیشوید

ما را دستمزدی کافی دهید

خود کارگاه‌ها را

در اختیار خواهیم گرفت.

نظر به اینکه بدون شما

تمام شعر در صفحه ۱۳

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی

نویسنده: علی رسولی

در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴، لنین درگذشت. تروتسکی به فوریت دست به کار شد و در محافل در بسته ضد حزبی و از طریق دوست و هم نظر آمریکائی خود بنام ایستمن مدعی شد که لنین در آخرین نامه‌ها و توصیه‌هایش به کمیته مرکزی، خواهان برکناری استالین از مقام دبیر کلی حزب و جایگزینی او با تروتسکی شده است. استالین در دهمین کنگره حزب، همان کنگره‌ای که تروتسکی به خاطر نظریه ضد مارکسیستی درباره اتحادیه‌های

ادامه در صفحه ۱۱

هشت مارس ۲۰۲۴

در این جریان ۱۲۹ زن جان خود را از دست می‌دهند. ولی مبارزه زنان علیه بی عدالتی در تعیین مزد، سیاسی و فرهنگی سرکوبگرانه لحظه‌ای آرام نمی‌گیرد تا بالاخره با مبارزه میلیون‌ها زن عصبان زده و شرکت همه جانبه و رهبری کننده زنان کمونیست در این مبارزات و سرانجام فعالیت و پیگیری کلارا زتکین در رأس آن‌ها، در ۱۹۱۴ هشت مارس توسط انترناسیونال دوم کمونیستی، به عنوان روز جهانی زن تعیین و به رسمیت شناخته می‌شود. از این تاریخ مبارزه زنان گسترده‌تر و متشکل‌تر به پیش می‌رود. با انقلاب اکتبر و در جریان ساختمان سوسیالیسم تا ۱۹۵۳، زنان در شوروی به حقوقی دست می‌یابند که در تمام طول مبارزه طبقاتی از آن محروم بودند.

روز هشت مارس را میلیون‌ها زن زحمتکش و مترقی با برپائی اعتصابات، تظاهرات و جلسات بحث و مشاوره جهت تکامل مبارزه و شکل سازمانی علیه نظام پوسیده سرمایه‌داری گرامی می‌دارند. این روز برای بشریت مترقی جلوه‌ای همسان روز اول ماه مه دارد. در واقع این روز هم، یک روز کارگری‌ست که زنان مترقی نیز وسیعاً در مبارزات آن سهیم می‌گردند.

جهان امروز برای بشریت زحمتکش به مراتب بی‌رحم‌تر از صد سال پیش گذشته است. امروزه هیچ نیروی کاری که قادر به تولید باشد از حیثه استثمار سرمایه‌داری بیرون نیست: بیش از ۵ میلیارد انسان. امروزه ابزار تولید به مراتب پیشرفته‌تر از صد سال پیش است و هر روز پیشرفته‌تر می‌گردد. لذا استثمار کارگران ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته است. زنان کارگر ستم دیده‌ترین هستند. زیرا با کار مساوی با مردان مزد کمتری دریافت می‌کنند. استثمار شدید، فشارهای روحی و جسمی ناشی از دید جنسیتی کارفرمایان به آن‌ها (در ۵۰ کشور جهان هیچ قانونی در جلوگیری از این تعرض

وجود ندارد)، محدودیت‌های قانونی در جامعه، فشار کار خانگی، دوران دردناک و تحمل ناپذیری را برای زنان رقم زده است. این فشارها باعث گردیده که مشارکت زنان در تولید کمتر از مشارکت مردان باشد. در واقع حضور زنان در جامعه کمتر از مردان است. بر مبنای آماری که از نیروی کار ۱۱۴ کشور در ۲۰۱۸ - ۲۰۱۹ به دست آمده، زنان ۴۰ درصد نیروی کار را در ۸۰ کشور جهان تشکیل می‌دهند. (مرکز تحقیقات پیو - سایت تسنیم - ۲۷ شهریور ۱۳۹۸)

از آن تاریخ تا کنون به علت تمرکز شدیدتر سرمایه در بالای هرم جهانی نظام سرمایه داری و در نتیجه فقر، عمیق و گسترده‌تر، فشار مضاعف بر زنان نیز شدیدتر گشته است.

در بسیاری از کشورها تقریباً زنان را از جامعه فعال و تولیدی بیرون رانده‌اند. برخی از این کشورها عبارتند از الجزایر، هند، ایران، عراق، اردن، کویت، یمن، لیبی، مراکش، عمان، پاکستان و عربستان سعودی (مرکز تحقیقات پیو) که زنان به طور متوسط در مجموع این کشورها حدود ۱۹ درصد نیروی کار فعال را تشکیل می‌دهند.

فقط در معدود کشورهایی در جهان زنان تقریباً مساوی با مردان در پروسه تولید و فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند؛ مثل فنلاند که ۵۰ درصد از نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند.

اگر دقیق‌تر به جامعه بنگریم درمی‌یابیم که کلیه زنان طبقات زحمتکش جهان در نظام سرمایه‌داری در پروسه تولید و توزیع شرکت دارند.

ولی بخش وسیعی از آن‌ها در این پروسه بدون مزد کار می‌کنند. آن هم کار خانگی در نظام سرمایه‌داری‌ست. بخشی از این زنان در عین حال در مؤسسات تولیدی به کار مشغولند و شیددا استثمار می‌شوند. بیش از مردان کارگر در همان کارخانه. این زنان ستم دیده‌ترین زنان جهانند.

در درگیری‌های طبقاتی درون هر جامعه‌ای و در درگیری‌های کشورها با هم، اولین و گسترده‌ترین قربانیان از زنان

و کودکان است. ما این را در ایران، هند و در غزه به روشنی مشاهده می‌کنیم. زنان در این شرایط خاص جهانی هشت مارس را برگزار کردند.

در اکثر قریب به اتفاق شهرهای جهان روز هشت مارس با گسترده صدها میلیونی و شور و شوق مبارزاتی علیه اجحاف، سرکوب، استثمار و ستم اجتماعی به خیابان‌ها آمدند و خشم و اراده خود را علیه این نظام پوسیده سرمایه‌داری نشان دادند.

هشت مارس در شرایط امروزه ایران

هشت مارس در ایران همانند هر پدیده اجتماعی، دارای تاریخی‌ست پر فراز و نشیب.

هشت مارس برای اولین بار توسط گروهی از زنان متمایل به جنبش سوسیال دمکراسی به نام "جمعیت پیک سعادت نسوان" در سال ۱۳۰۰ برگزار می‌شود. این جنبش توسط رضا شاه ممنوع و سرکوب می‌گردد. شش سال بعد ۱۳۰۶ سازمان "بیداری زنان" هشت مارس را به طریقی نیمه مخفی برگزار می‌کنند (بامداد - سایت برابری)

از آن زمان تا ۱۳۵۷ هشت مارس به طرق مخفی سپس نیمه علنی، در اواخر سلطنت پهلوی کاملاً علنی در سالن‌های سرپوشیده برگزار می‌شود.

با به حاکمیت رسیدن خرده بورژوازی مذهبی، عقب مانده و واپس‌گرای ایران در شکل رژیم جمهوری اسلامی، از همان روز اول، تهاجم به حقوق زنان، سازمان‌ها و مراسم آنها آغاز می‌شود. برگزاری هشت مارس ممنوع می‌گردد و دولتیان به جای آن تولد معصومه، دختر هفتمین امام خود را برگزار می‌کنند.

ولی با مبارزه قاطع زنان علیه همه محدودیت‌هایی که رژیم ایران بر آنها اعمال می‌کند منجمه عدم اجرای هشت مارس، باعث گردیده است که زنان گام به گام بتوانند گوشه‌هایی از حقوق خود را به دست آورند.

امروزه هشت مارس توسط زنان شجاع و پیکارجوی ایران در اشکال و ابعاد مختلفی برگزار می‌شود. دولتیان پاپوش

فشانندگان بر مزار آن‌ها برگزار گردید. بنا به گفته شاهدان وسعت حضور مردم به ویژه دختران و پسران جوان در فضای مجازی به خاطر هشت مارس بی نظیر بوده است.

و اما ما در همین ابعاد، جریان‌های مختلف ایندولوژیک را در مورد زن و آزادی، شاهد هستیم. جنبش کمونیستی و طبقه کارگر، معضلات زنان را فقط در حجاب و پوشش خلاصه نمی‌کنند. معضلات زنان بسیار فراتر و گسترده‌تر از مسأله پوشش است. آزادی زنان نیز به آزادی در پوشش محدود نمی‌شود. آزادی زنان در آزادی از ستم مرد سالاری، از محدودیت‌های مذهبی و رهایی از استثمار انسان از انسان نهفته است. ما برای تخلص کلام فقط به موضعی در درون یک بیانیه به طور منسجم برخورد می‌کنیم. "بیانیه مشترک جمعی از فعالین جنبش زنان، دانشجویان و دادخواهان در داخل و خارج کشور به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن"

در بیانیه چنین آمده است: «گرامی باد مبارزه ۴۵ ساله علیه حجاب و عفاف، علیه قوانین و رژیم اسلامی، زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی. هشت مارس روز جهانی زن ۱۴۰۲ در حالی فرا می‌رسد که انقلاب زن زندگی آزادی که پس از قتل حکومتی مهسا/ژینا امینی آغاز شد، تاکنون در مبارزه علیه بنیان‌های رژیم اسلامی، ضربات مهلکی به "حجاب" زده و چنانچه از روند کارزار "بیحجابی سراسری" در سطوح مختلف جامعه، و نیز در طرف مقابل از عملکرد حکومت و دستگاه‌های سرکوب آن مشهود است، خاکریز حجاب از دست حکومت خارج شده است... انقلاب زن زندگی آزادی، تجلی جنبش نوین رهایی زن است که در هشت مارس ۵۷ برای رهایی زن و رهایی جامعه و علیه حجاب و قوانین اسلامی شکل گرفت و دانه درخت تنومند "انقلاب زنانه" در ایران را کاشت...»

آیا مبارزه زنان جامعه مادر این ۴۵ سال فقط مبارزه علیه حجاب و عفاف و

علنی و فشار جنایتکارانه‌ای علیه زنان و کل جامعه است. با شکست انتخاباتی کمر شکن، رژیم علیه زنان شهرها را در ۸ ماه مارس ۲۰۲۴ شدیداً نظامی امنیتی می‌کند.

- وضعیت معیشتی زحمتکشان و اقشار پائین و میانه خرده بورژوازی شرایط غیر قابل تحملی را برای آن‌ها ایجاد کرده که ناشی از آن برای زنده ماندن چاره‌ای جز مبارزه، مبارزه و باز هم مبارزه ندارند. تضاد این طبقه و اقشار اجتماعی با رژیم حاکم حدت بی سابقه‌ای یافته و آشتی ناپذیری آن کاملاً آشکار گردیده است. این فشارها و تضیقات معیشتی در درجه اول زنان و کودکان را هدف می‌گیرد. لذا جنبش زنان از روحیه آشتی ناپذیری و استقامت و پایداری بالایی برخوردار است.

- رژیم ایران در تهاجم‌های خیابانی و دستگیری‌ها، تمرکز ویژه‌ای بر زنان فعال و مبارز دارد. لذا زندان زنان در ایران مملو از مبارزین است. رژیم برای انتقام جوئی از زنانی که هیچ یک از نرم‌های اسلامی را بر نمی‌تابند، آن‌ها را در مخوفترین زندان‌ها به بند می‌کشد. ولی صدای این زندانیان استوار و شجاع همچون سپیده قلیان و سحر محمدی به بیرون درز می‌کند. آن‌ها از درون سیاه چال‌ها سرود مقاومت می‌خوانند و با این زمزمه حیات بخش هزاران زن و مرد را برای مبارزه‌ای استوارتر و آگاه‌تر الهام می‌بخشند.

تحت چنین شرایط اجتماعی زنان هشت مارس را در جو نظامی امنیتی و سرکوب برگزار کردند. برگزاری هشت مارس در ایران به علت جو سرکوب و اختناق ویژگی خاصی داشت. در کمتر شهری هشت مارس را زنان و مردان در خیابان برگزار کردند. مراسم هشت مارس امسال بیشتر در محافل خصوصی، در مکان‌های سرپوشیده، در فضای مجازی و در حرکت وسیع مادران، پدران و خانواده‌های جان

می‌دوزند و مراسم معصومه خود را برگزار می‌کنند. مراسم هشت مارس ۲۰۲۴ در ایران در شرایط ویژه‌ای برگزار می‌شود. این شرایط ویژه کدامند:

- رژیم با اهرم‌های مختلف (قوانین محدود کننده، تبلیغات مذهبی و اهرم سرکوب) سعی دارد زنان را کاملاً از پروسه تولید و کلا جامعه خارج کند و به گوشه خانه‌ها برای کار خانگی بفرستد. «بررسی‌ها نشان می‌دهد که جمعیت زنان شاغل حتی به حدود یک پنجم جمعیت مردان شاغل در بهار سال ۱۴۰۲ نیز نمی‌رسد. به عبارت دیگر، جمعیت مردان شاغل در بهار امسال معادل ۲۰ میلیون نفر بوده اما این رقم برای زنان کمتر از ۴ میلیون نفر است. در واقع، از ۳۲ میلیون مردی که در سن اشتغال قرار دارند، ۲۰ میلیون نفر از آن‌ها که معادل ۶۳،۷ درصد است مشغول به کاراند در حالی که از ۳۱ میلیون زن ۱۵ ساله و بالاتر، تنها ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از آن‌ها که جمعیت ۱۲ درصدی را تشکیل می‌دهد، شاغل‌اند.» (آکو ایران - ۲۰ تیر ۱۴۰۲) زنان علیه این تضیقات دهشتناک چاره‌ای جز مبارزه ندارند.

- مبارزه زنان از ۱۴۰۱ تا کنون نه تنها قطع نشده بلکه در زمینه‌های مختلف به ویژه در زمینه پوشش همه جانبه‌تر و گسترده‌تر علیه محدودیت‌های اعمال شده توسط مأمورین عقب مانده و ددمنش رژیم، به پیش می‌رود. لذا درگیری زنان با رژیم عمق و گسترش بی سابقه‌ای یافته است.

- رژیم ایران از ۱۴۰۱ تا کنون کارد انتقام خود را بر حلقوم مبارزین نهاده و در این رابطه اعدام زنان ابعاد مصیبت‌باری یافته است. تنها در یک سال میلادی ۲۲ زن مبارز را اعدام کرده و ۳۲۵ تن دیگر را دستگیر و شکنجه نموده است. اخیراً نیز زنان "بدحجاب" را بدون اطلاع آنها، از سه میلیون به بالا جریمه و از حساب آن‌ها برداشت می‌کنند. این یک غارت

قوانین اسلامی بوده است. خلاصه کردن این مبارزات که به طور گسترده‌ای علیه تمام مظاهر بی عدالتی در جامعه سمت گیری شده بود و سمت گیری شده است، به مبارزه علیه حجاب و عفاف، هیچ چیزی غیر از گدائی درخواست‌های کوچک از جمهوری اسلامی، و کشاندن جنبش زنان به دام رفرمیسم و سازشکاری نیست. در عین حال مارکسیسم به ما آموخته است که انقلاب طبقاتی است. در این بیانیه از "انقلاب زن، زندگی، آزادی" صحبت شده است. این به اصطلاح "انقلاب" هیچ مفهوم طبقاتی را در بر ندارد. فقط در و در احماقانه خرده بورژوازی در حال ورشکستگی را بیان می‌کند. انقلاب ایران یک انقلاب سوسیالیستی است. و "انقلاب" زن، زندگی، آزادی - به صورت آلترناتیوی در مقابل سوسیالیسم خود را علم کرده است. باید به هوش باشیم.

در این بیانیه تا آنجا پیش رفته‌اند که این "انقلاب" را هم زنانه کرده‌اند. انقلاب زنانه، زن، زندگی، آزادی. آیا چیزی از این منحرف‌تر و توطئه آمیزتر می‌توان علیه زنان مبارز و زحمتکش، علیه کلیه مبارزات طبقاتی در جامعه پیدا کرد؟ ولی آگاهی زنان ایران و کلیه زنان زحمتکش و مترقی در جهان، دیگر این طرفندها را پشت سر گذاشته‌اند. آگاهی امروزه زنان جهان تا آنجاست که می‌دانند بدون وحدت با جنبش‌ها و مبارزات کارگری، پیروزی ممکن نیست. برگزاری هشت مارس سال ۲۰۲۴ و شعارهای آن نشان می‌دهد که مبارزات زنان در پیوستگی با مبارزات کارگران گام به گام سمت در هم کوبیدن نظام سرمایه‌داری را در پیش می‌گیرد.

- پیروز باد مبارزات زنان زحمتکش و مترقی در واژگون کردن نظم سرمایه

- پیروز باد مبارزات زنان علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

- پیروز باد مبارزات زنان زندانی علیه خفقان سرمایه‌داری و به خاطر آزادی.

رشد و تعالی مبارزه زنان در همبستگی با جنبش کارگری نمود می‌یابد

شرایط مرگبار کارگران معدن

معدن، که ثروت ملی است و عملاً باید پایه فقرزدائی و آبادانی کشور باشد، بین دولتیان و وابستگان رژیم به مزایده گذاشته شده است.

ماین نیوز در اسفند ۱۰۴۲ در گزارشی در رابطه با مزایده معدن چنین نوشته است: «رضا محتشمی پور اظهار کرد: بخش بزرگی از پروانه‌های معدنی در کشور به افرادی داده شده بود که توان عملیات معدن کاری را نداشتند، بعضاً در بررسی‌ها می‌دیدیم مثلاً تعداد زیادی از معدن به اسم زنان خانهدار است.» این افراد نالایق با انگیزه چپاول و غارت این معدن را از دولت می‌گیرند. به این جهت تنها فکری که ندارند، نوسازی ابزار و رسیدگی به کارگران است.

در این معدن از ابزار آلات نامناسب فرسوده استفاده می‌شود، لذا محیط کار نامن و استثمار شدید کارگران از مشخصه‌های کار در معدن است. این استثمار آنچنان شدید است که گاهی از قلم دولتیان نیز به بیرون نشت می‌کند: «کارگران معدن کرمان، یک روز را برای خود و ۲۹ روز را برای بهره‌بردار ... کار می‌کنند (ایلنا - مهر ۱۴۰۰)

مرکز آمار و اطلاعات راه بردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تعداد کارگران معدن را در شهریور ۱۴۰۰ حدود ۹۹ هزار و ۷۳۴ نفر ذکر کرده است در حالی که در آمار یک ماه پس از آن اطلاعات دیگری میدهد: «بررسی وضعیت مزد و حقوق بگیرهای شاغلین نیز حاکی از آن است که از تعداد ۱۰۷ هزار و ۷۴ شاغل معدن در حال بهره برداری، ۷۱ هزار و ۵۰۰ نفر مزد و حقوق بگیر، ۳۲۳۳ نفر از شاغلین بدون

مزد و حقوق و بیش از ۳۲ هزار و ۳۰۰ نفر شاغل بیمانکاری بوده اند». (ایسنا - مهر ۱۴۰۰) وضعیت معیشتی و اجتماعی این کارگران چنان رقت آور است که دست اندرکاران رژیم نیز مجبور به اقرار آن هستند: «با وجود ارزش افزوده‌ای که این کارگران برای معادن خصوصی و دولتی کشور فراهم می‌کنند، بسیاری از آنان هنوز با چالش دستمزد، بیمه و مسائل حقوقی مانند آن دست بگریبانند و مشکلات معیشتی بسیاری را از سر می‌گذرانند.» (بهار نیوز - ۳۰ شهریور ۱۴۰۰)

«هر بار که با واگن‌ها کیلومترها به زیر زمین می‌روند، احتمال سالم برگشتنشان کم است. نه زندگی دارند نه آینده. این خلاصه حال و روز کارگران معدن زغال سنگ کرمان است. البته نه فقط کرمان؛ این وضعیت زندگی کارگران معدن در تمام ایران است. معدن را سخت‌ترین شغل جهان می‌دانند. ... در حال حاضر یک کارگر معدن برای بازنشست شدن باید ۲۰ سال در قسمت استخراج زغال کار کند، در حالی که توانایی کار یک شخص سالم در چنین شرایطی نهایتاً ۱۵ سال است. ... قانون کار می‌گوید در کار مستمری مثل معدن زغال سنگ، کارگر باید قرار داد مستمر و دائم داشته باشد، اما این قانون هم لا به لای کتاب‌ها مانده است. اینجا همه قراردادها به صورت سه ماهه شش ماهه و یک ساله با کارگر بسته می‌شود. ... هر روز سفره‌شان کوچکتر می‌شود. ... و عملاً همواره شرمنده اعضای خانواده خود هستند. ...» (حمزه سلمانی - سایت عصر ایران - قرائت در فوریه ۱۴۰۲)

تعداد کارگران معدن به علت سیاست‌های نابخردانه و ارتجائی رژیم جمهوری اسلامی دائماً در افزایش و کاهش است. کارگران که نیروی اصلی تولید در معدن را تشکیل می‌دهند بخش عمده زندگی خود را در خارج از خانه و خانواده، در مکان‌های دور افتاده، در بیابانها، در مناطق کوهستانی و نامناسب آب و هوایی می‌گذرانند. آنان با کمترین مزد، بعضاً با

سازمان‌های خود ساخته و از بالا، نقشه دشمنان جنبش کارگری است

ذرات ریز شن و نمک محافظت کنند. در یک روز خوب، آنها می‌توانند هفت دلار به دست آورند. سلسو به ما می‌گوید که کار کردن در این شرایط، سخت و طاقت فرساست و در عین حال، درآمد اندکی دارد. ... (مجله ویستا - ۲۷ فوریه ۲۰۲۴) در عین حال در این کشور کار کودکان در معادن به طور وسیعی رواج دارد.

کار در معدن نه تنها سخت، دردناک و بیماری‌زا است، بلکه این رشته از کار با خطرات ناشی از ریزش معدن و انفجار آن نیز همراه بوده و جان هزاران کارگر را گرفته است. برای مثال:

«انفجار معدن زغال سنگ در ترکیه و مرگ بیش از ۴۱ کارگر، این کشور را در عزا و ماتم فرو برد.» ... «بر اساس گزارش ۲۰۱۹-۲۰۲۱ سازمان بین‌المللی کار، در مورد تعداد کارگرانی که در حوادث معدن جان خود را از دست داده‌اند، ترکیه با ۱۸۹ کشته در صدر جدول قرار دارد. بزرگترین فاجعه جهانی معدن در سال ۲۰۱۴ در ترکیه روی داد که در جریان آن ۳۰۱ تن جان خود را از دست دادند.» (تسنیم - ۲۵ مهر ۱۴۰۱)

معدنچیان، به ویژه از سه دهه اخیر در مقابل سودجویی سرمایه‌داران، دور نوینی از مبارزات صنفی - سیاسی خود را آغاز کرده‌اند. ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی آنان در اعتراضات، اعتصابات و هماهنگی‌های مبارزاتی بین‌المللی، نمودار گشته است.

با همه فشارها، سرکوبها و کشتار علنی و مخفی، در لابه‌لای تونل‌های تنگ و تاریک مرگیار، نور امید سازمان‌یابی ملی و بین‌المللی می‌درخشد. آنان گامهای فوق‌العاده موثری در سیاسی شدن مبارزه‌اشان برداشته‌اند.:

مبارزات کارگران معدن سنگ آهن چادرمولو، از مهمترین معادن ایران، در سال ۱۳۹۲ با دهها هزار کارگر؛

اعتصابات کارگران معدن بافق در اردیبهشت ۱۳۹۳ که ماهها به طول انجامید؛ اعتراضات کارگران مس سرچشمه در سال ۱۳۹۳ و اجتماع ۲۵۰

صادر می‌شود؛ یکی از این فیش‌ها با عدد و رقم متفاوت به بیمه داده می‌شود. با این فرار بیمه‌ای کارفرما، بیمه کمتری برای کارگر رد می‌شود و پس از مدتی کارگر متوجه می‌شود که تعداد سال‌های بیمه‌اش از تعداد سال‌هایی که کار کرده کمتر است. ... گاه هر ماه ۱۰ روز بیمه کمتر برای کارگر پرداخت می‌شود تا مجبور نباشند به موقع او را بازنشست کنند.»

شرایط مرگبار کار در معادن، منحصر به ایران نیست. حوادث ناگوار در معادن، بیماری‌های ناشی از هوای نامطبوع، استثمار بیش‌رمانه و ... از مشترکات کار معادن در جهان است.

۲- در سطح بین‌المللی:

در شرایط کنونی، بیش از ۲۰ میلیون کارگر در معادن فعال جهان در حال کارند. چنان که اشاره شد، تولیدات این نیروی عظیم بین‌المللی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. گردش چرخهای کارخانجات تولید در سطح جهان عمدتاً بستگی به کنش نیروی کار معدنچیان در استخراج مواد معدنی دارد. این گروه از پرولتاریای جهانی اولین مرحله از تولید کنندگان ارزش اضافه در جهت انباشت و تمرکز ثروت برای همه مؤسسات بین‌المللی سرمایه‌داری‌ست، در حالیکه خود روزانه با مرگ و زندگی دست به گریبانند.

برای مثال در شمال شیلی «... از سال ۱۵۴۵ تاکنون، در مجموع نه میلیون نفر، تنها در کروریکو، جان خود را در این معدن جهنمی از دست داده‌اند... نیلدا و سلسو لویز با کار طاقت‌فرسای دوازده ساعته در هر روز، باید ده متر مکعب از این نمک‌ها را تا محل بارگیری توسط کامیون‌ها حمل کنند. تابش خورشید در این منطقه که دوازده هزار پا ارتفاع دارد، چشمان افراد را تا حد کوری کامل می‌سوزاند. لیندا و سلسو باید در این وضعیت با یک دوچرخه و ضمن در دست گرفتن بیل‌ها و ظروف حمل نمک، با پوشیدن ماسک‌های ورزش اسکی و یا روسری، چشمان خود را از خطرات ناشی از بازتاب نور کوه‌های آند و ورود

مزد کمتر از حد اقل مزد مصوبه قانون کار، به طور وحشیانه‌ای استثمار میشوند. کارگران برای سطح تولید مورد انتظار کارفرما، به علت ناکارآمد بودن افزار تولید، باید از جان مایه بگذارند. لذا در جوانی به انواع بیماری‌های غیرقابل علاج دچار می‌گردند. سایه شوم حوادث ناگوار در معادن، دوری از محیط زندگی خانوادگی به خصوص برای کارگران متاهل، آسیب‌های روانی مختلفی را نیز به ارمغان می‌آورد. اطلاع‌رسانی از حوادثی که روزانه در معادن مختلف در گوشه و کنار کشور به وقوع می‌پیوندد و تعدادی از کارگران را به کام مرگ میکشد و یا زخمی می‌کنند، در فضای رسانه‌ای بسیار محدود است. کارگری از معدن زغال سنگ در استان گلستان می‌گوید: «حقوقی که به کارگران معادن زغال سنگ پرداخت می‌شود، پول جانشان است.» (بهار نیوز - شهریور ۱۴۰۰)

آری! این واقعیتی‌ست انکار ناپذیر که مزد کارگر معدن، «پول جانش است» «یکی از معادن شمال دامغان فروریخت و ۶ کارگر محبوس شدند؛ ۶ کشته در انفجار معدن ذغال سنگ طرز ه سمنان در عمق ۷۰۰ متری؛ ۲ کشته در ریزش معدن نمک گرمسار و ...» (سایت عصر ایران - شهریور ۱۴۰۲)

بهار نیوز در شهریور ۱۴۰۰ از ۴ حادثه در ۱۳۹۹ در معادن اصفهان، ۴ حادثه در معادن خراسان جنوبی، و دیگر معادن ایران. ... خبر میدهد.

از دیگر دغدغه‌هایی که ناامیدی و ترس از آینده را در کارگران دامن می‌زند، بیمه و بازنشستگی است. آنان در صورت بروز بیماری‌هایی که همواره با آنها دست به گریبان می‌شوند از امکانات بهداشتی و درمانی کمتری از کارگران دیگر که امکانشان به صفر متمایل است برخوردارند. امیدی به یک زندگی بخور و نمیر و سالم در سال‌های کار و بازنشستگی ندارند. حال ضروری‌ست این واقعیت تلخ را از بهار نیوز بخوانیم: «در معدنی که به بخش خصوصی تعلق دارد گاهی برای کارگران ۲ فیش حقوق

افزایش یابد چندین برابر نقدینگی افزوده می‌گردد (به اندازه ضریب فرایند نقدینگی). پول پایه همان پول پر قدرت، یا میزان دارائی‌ها یا بدهی‌های ترازنامه‌ای بانک مرکزی است.)

نقدینگی انسان عادی برای خرج کردن و برآورده کردن نیازهای زندگی‌اش است. ولی نقدینگی در مؤسسات تولیدی صنعتی برای رشد صنعت و استثمار بیشتر و در نتیجه افزایش نقدینگی است. نقدینگی در بانک‌ها برای وام دهی و خلق نقدینگی بیشتر از طریق اخذ مبلغ اصلی و بهره آن است. در واقع بانک‌ها عملاً مراکز انباشت نقدینگی کل جامعه هستند که با این نقدینگی به خلق نقدینگی و انباشت بیشتر ثروت جامعه می‌پردازند. و نهایتاً این نقدینگی تحت کنترل بانک مرکزی قرار می‌گیرد

اگر نقدینگی بانک‌ها در صنعت ریزش کند باعث شکوفائی صنعت و نقدینگی بیشتر بانک‌ها خواهد شد و اگر این نقدینگی امکان ریزش نداشته باشد، قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد، کالاها در انبارها میماند، صنایع از کار می‌افتند و کارگران از کارخانه‌ها بیرون پرتاب می‌شوند. اگر نقدینگی بر اثر شرایطی بیش از حد متعارف در دستان مردم قرار گیرد، باعث گران شدن کالاها، کمبود آن‌ها، ورود بی رویه کالاها از خارجی و ورشکستگی صنایع داخلی می‌شود. در نتیجه کنترل نقدینگی یکی از مسائل اساسی بانک‌ها و قدرت سیاسی است.

اقتصاد چیست:

به طور منسجم اقتصاد عبارت است از چگونگی استفاده از منابع طبیعی و تولید ارزش. به بیان دیگر اقتصاد عبارت است از کل ارزشی که در جامعه تولید می‌شود که این در ارتباط است با تولید، توزیع و مصرف. و تخصیص قسمتی از این ارزش به هر بخش نامبرده. در نتیجه اقتصاد بر ابزار تولید، نیروهای مولده و شیوه تولید متکی است. به همین جهت اقتصاد بر مبارزه طبقاتی و حاکمیت یک طبقه تکیه دارد. هر طبقه‌ای اقتصاد خاص خود را دارد: اقتصاد برده‌داری،

بنابر آنچه گفته شد، دفاع و حمایت از کارگران معادن از وظایف قطعی کمونیستها شمرده می‌شود. در نشریه کمون شماره ۱۵ در سایت نظم کمونیستی می‌خوانیم: «جنبش کمونیستی موظف است توجه خاصی به این بخش از طبقه کارگر داشته باشد. باید جنایاتی که به‌طور سیستماتیک، پنهان و آشکار علیه کار و زندگی این کارگران اعمال می‌شود در وسیع‌ترین ابعاد افشا شود. این وظیفه ما کمونیست‌هاست. شرایط کار این کارگران طوری است که آنها را بسیار سازمان‌پذیر پرورش می‌دهد. این توان بالا را دریابیم.»

در تدارک انقلاب جهانی سوسیالیستی، معدنچیان بخشی از پرولتاریای صنعتی را تشکیل می‌دهند. لذا برای رهائی پرولتاریا از استثمار توسط انحصارات و دولتهای امپریالیستی، سهم فوق‌العاده خطیری به عهده دارند.

بخشی از آنان نیاز به همکاری و هماهنگی بین‌المللی در مبارزات خود را درک کرده‌اند. و به این نتیجه رسیده‌اند که تنها در این صورت میتوانند در مقابل فشار و سرکوب این چپاولگران برتری یابند. وحدت و یگانگی در مبارزات آنان، میتواند در فروکش جنگهای امپریالیستی تأثیر مثبتی برجای بگذارد.

مبارزه علیه سرمایه‌داری فاشیستی داخلی جدا از مبارزه علیه امپریالیسم نیست

نقدینگی در اقتصاد ایران

مجموع پول و شبه پول در اقتصاد را نقدینگی می‌گویند. به بیان دیگر نقدینگی عبارت است از مقدار پول و شبه پول در گردش در کل سیستم اقتصادی یک کشور. هر اندازه که پول پایه یا پایه پولی

نفری آنان در تهران در مقابل نهاد ریاست جمهوری و وزارت صمت؛ نمونه‌هایی از صدها اعتراضاتی هستند که در سالهای اخیر به وقوع پیوسته‌اند.

«در ۲۸ نوامبر ۲۰۲۳، جمع زیادی از کارگران معادن مس پرو در اعتراض به وضعیت شغلی و حقوق خود در منطقه معدن‌خیز لاس بامباس این کشور علیه شرکت «MMG» اعتصابی سه روزه اعلام کردند.» (آهن نیوز)

«هشت سال پیش، در ماه اوت سال ۲۰۱۲ کارگران معدن شرکت بریتانیایی لان مین در آفریقای جنوبی، به دلیل شرایط دشوار زندگی با دستمزدهای خیلی پایین، کمبود برق و خاموشی‌های مداوم، کمبود آب آشامیدنی، عدم دسترسی به بهداشت عمومی و همچنین زندگی در حلی آبادها، برای زندگی در رفاه، دست به اعتصاب زدند. ... رؤسا و کارفرماهای معدن، در طی ۱۴ روز اعتصاب کارگران، نه تنها به آنها بی‌اعتنایی نشان دادند، بلکه تلاش کردند که با کمک پلیس و نیروهای امنیتی، اعتصاب را درهم شکسته و مانع از گسترش اعتراضات، به معادن دیگر شوند.

در نهایت پلیس در روز ۱۶ اوت، گردهم‌آبی کارگران در محوطه‌ی معدن را به رگبار گلوله بست. نتیجه‌ی این جنایت ۳۴ کشته و بیش از ۷۰ زخمی بود. پس از قتل عام معدنچیان، پلیس، کارفرما، رسانه‌های جریان غالب و کل طبقه‌ی حاکم، تلاش کردند که ماجرا را وارونه جلوه دهند.»

(FlüchtlingsCafe Göttingen)

بی سبب نیست که معدنچیان جهان از دهها سال قبل همکاریها و هماهنگی‌های انترناسیونالیستی خود را آغاز کرده‌اند. آخرین تجمع بین‌المللی آنان (کنفرانس سوم جهانی کارگران معادن)

در اوت ۲۰۲۳ در آلمان با شرکت نمایندگان معدنچیان حدود ۱۸ کشور و صدها کارگر زن و مرد معدن و شرکت کنندگان دیگر، با موفقیت بی نظیری برگزار شد.

اقتصاد فئودالی، اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیستی.

نقدینگی در ایران:

طبق گزارش بانک مرکزی در مدت یک سال، آذر به آذر ۱۴۰۲، حدود ۳۲ درصد نقدینگی افزایش داشته است و به ۷۷۸۰ تریلیون تومان رسیده است. در آذر سال گذشته این نقدینگی «۵ هزار و ۹۷۰ تریلیون تومان بوده» است (رادپو فردا) به عبارت دیگر «در یک سال گذشته ماهی ۲۳ هزار میلیارد تومان در کشور چاپ شده است ... در یک سال ۲۸۰ هزار میلیارد تومان.» (سایت عصر ایران - عبدالناصر همتی، رئیس کل سابق بانک مرکزی - ۱۴۰۲/۸/۸ - کدخبر ۹۱۳۹۸۸)

در تمام دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، دولت کسر بودجه داشته و این کسری را با افزایش نقدینگی پر کرده است. یعنی کسری را از بانک مرکزی وام گرفته است. بانک مرکزی برای دادن این وام هر سال پول بدون پشتوانه چاپ میکند و بدین طریق بر نقدینگی کشور میافزاید. در عین حال پشتوانه پول حقیقی کشور را نیز به حراج میگذارد:

به گفته اصغر بالسنی سخنگوی مرکز مبادله ارز و طلا، دولت اقدام به فروش ۲۰۰ کیلوگرم شمش طلا کرده است که «در حال حاضر هر کیلو گرم شمش طلا به طور متوسط ۶۵ هزار دلار قیمت دارد که با نرخ ۵۵ هزار تومانی امروز دلار در بازار آزاد ایران، سه میلیارد و ۵۷۵ میلیون تومان خواهد بود.» (VON) به عبارت دیگر پول دریافتی ایران از این فروش ۱۳ میلیون دلار بوده است.

در واقع دولت با فروش طلا، ارز تهیه میکند، آن را در ازای تومان به بانک مرکزی میفروشد و بانک مرکزی این ارز را فقط به ۵ شرکت اختصاص میدهد. دیگران منجمله صنایع از آن محروم است: «تا سه چهارم بودجه که متعلق به شرکت‌های دولتی است اصلاً ما نظارتی

بر آن نداریم. آن ۱۵۰۰ میلیارد تقریباً مال ۵ شرکت است ... یکی از این شرکت‌ها و بزرگترین آن‌ها شرکت ملی نفت است. ۹۰۰ هزار میلیارد بودجه شرکت نفت است.» (محسن زنگنه - رئیس کمیته اصلاح ساختار بودجه) بر اساس آمار منتشر شده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۹، «رشد نقدینگی در سال ۲۰۱۹ در ۵۵ کشور کمتر از پنج درصد بوده است؛ در ۳۱ درصد از کشورها بین پنج تا ۱۰ درصد؛ در ۱۸ درصد از کشورها بین ۱۰ تا ۱۵ درصد؛ در ۸ درصد از کشورها بین ۱۵ تا ۲۰ درصد و تنها در ۶ درصد از کشورها این میزان از ۲۵ درصد فراتر رفته است. در این دسته‌بندی ایران در دسته آخر و رتبه هشتم جهانی پس از کشورهای ونزوئلا، زیمبابوه، سودان، کنگو، گابن، آنگولا و آرژانتین و جزء کشورهای بارش نقدینگی بسیار بالا قرار گرفته است.» این افزایش نقدینگی در ایران در عرض یک سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به ۳۲ درصد رسیده است.

اگر کارخانجات و مؤسسات تولیدی با تمام ظرفیت کار و تولید می‌کردند، اگر صادرات ایران متناسب با این تولید پیش می‌رفت، آنوقت بالابردن نقدینگی تا این اندازه می‌توانست متناسب با تولید و صادرات باشد و تورم ایجاد نکند. اما تولید در ایران به ویژه تولید صنعتی و کشاورزی رو به رکود است.

«روند شامخ [شاخص مدیران خرید] کل اقتصاد و همچنین شامخ صنعت در آذر ۱۴۰۲ بیانگر این نکته اساسی است که وضعیت فعالیت‌های اقتصادی در این ماه به‌طور محسوس تضعیف شده و تداوم این وضعیت می‌تواند رشد اقتصادی در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ را به طور قابل توجه کاهش دهد.» (سایت صنعت) «صنایع غذایی به عنوان صنعتی که مستقیماً با مصرف کننده نهایی مرتبط است، شیب نزولی با افت ۵ درصدی داراست؛ به

گونه‌ای که وضعیت کلی این گروه از رقم ۵۲/۹۱ در شهریور به ۴۹/۹۱ در مهرماه رسیده است.» (دنیای اقتصاد) آمارهای فوق می‌رساند که صنعت و کشاورزی در حال سقوط است. ظاهراً تولید ناخالص داخلی به آن اندازه‌ای نیست که بتواند بودجه‌ای را سامان دهد که نیامندی‌های مالی کشور را تأمین کند. برای تأمین مالی این نیازمندی‌ها پول بدون پشتوانه چاپ می‌زنند. از یک جانب ظاهراً کسر بودجه را از چشم مردم میپوشانند و از جانب دیگر به طور واقعی بسیاری از ارکان حیاتی جامعه مثل صنایع و نوسازی ابزارهای تولید، رسیدگی به کشاورزی و تأمین تغذیه مناسب مردم، نگهداری و نوسازی مؤسسات سلامتی، مؤسسات تنظیم پرداخت مزد، مؤسسات آموزش و پرورش با کمبود مالی رو به رو می‌گردند و قادر به انجام وظائف خود نمی‌شوند، میلیون‌ها نفر بیکار میشوند و به علت پول بدون پشتوانه در دستان مردم، کالاهای به طور انفجاری گران میشوند و تورم، مردم زحمتکش و اقشار میانه در حال سقوط را خانه خراب میکند. این روند به پراکندگی نیروهای مولده، و ناشی از آن سیستم خدماتی و توزیع میانجامد و اقتصاد کشور را همان طور که میبینیم به بحرانی لاعلاج میکشاند.

صندوق ارزی دولت خالی‌ست به همین جهت هم پشتوانه پول کشور یعنی طلاها را میفروشد ولی نقدینگی سر به فلک میزند. هر چقدر این فاصله بیشتر شود، زندگی مردم غیر قابل تحمل‌تر می‌گردد. در تمام جوامع سرمایه‌داری همیشه قدری کسر بودجه وجود دارد که از منابع مالی واقعی آن را تأمین میکنند. مثل آلمان (به استثنای چند کشور از جمله ایالات متحده آمریکا که بخشی از کسر بودجه خود را با پول بدون پشتوانه تأمین میکنند). ولی این کار در جمهوری اسلامی ایران اغراق آمیز است. یعنی حدود ۴۰ درصد بودجه را با این پول جعلی "تأمین" میکنند. در واقع پول واقعی و طلای بسیار و ثروت بیکران در این جامعه در

برای سرنگونی رژیم سرمایه‌داری ایران خود را سازمان دهیم.

تولید، استنثار و بهره‌کشی سرمایه‌داری نیز شدت می‌یابد. از یک جانب فقر و ناامنی گسترش می‌یابد و از جانب دیگر ثروت تولید شده توسط همین زحمتکشان فقر زده در دستان اندکی از کنسرن‌ها و یا افراد متمرکز می‌شود.

«۱ درصد فوق ثروتمند جمعیت جهان به اندازه ۲ برابر ۹۰ درصد جمعیت جهان ثروت جمع‌آوری کرده‌اند.» (خبرگزاری مهر - نقل از راشاتودی) این ۹۹٪ ثروت جهانی در اختیار مردم این کشورها نیست. بلکه در اختیار کنسرن‌های بین‌المللی، صاحبان آنها و یا در انبان دولت‌هاست. و آن مقدار یک درصد ثروت نیز در مؤسسات مالی دولتی و خصوصی انباشت شده است و در خلاف منافع مردم انباشته می‌گردد.

سرمایه‌داری جهان را در گرسنگی و فقر روز افزون نگهداشته است. لذا مردم نیز روز افزون به مبارزه روی می‌آورند. این پروسه، شعور و دانش پرولتاریا را از دشمنان طبقاتی‌اش بالا میبرد، جنبش کمونیستی را برای رهبری طبقه کارگر آماده می‌سازد. سرمایه‌داری گورکنان خود را برای درهم کوبیدن نظام سرمایه‌داری هر روز آگاهتر، مصمتر و مقاومتر می‌کند.

امروزه رشد نیروهای مولده با روابط تولیدی به هیچ وجه در تطابق نیست و کاملاً آشتی ناپذیر گشته است. هر قدر فاکتور استنثار شدیدتر باشد، پروسه رشد آگاهی زحمتکشان سریعتر، مقاومت این توده وسیع و و آزادیخواهان مترقی شدیدتر و کوبنده‌تر است. از زمانی که مارکس شعار می‌دهد "پرولتاریای جهان متحد شوید"، سرنوشت بخش‌های مختلف طبقه کارگر در جهان هر روز بیشتر به هم گره می‌خورد، بیشتر هم طبقه‌ای‌های خود را در شرایط دیگر و گوناگون می‌شناسند و به دردهای و رنجهای مشترک هم پی می‌برند. این اولین و بزرگترین فاکتور همبستگی بین‌المللی است که توهم نسبت به سرمایه‌داری را در سطح جهانی زیر سؤال می‌کشد و مبارزه علیه آن را دامن می‌زند.

تشکیل می‌دهد. بر مبنای آمار سازمان ملل در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۲ جمعیت جهان از مرز هشت میلیارد نفر گذشته است. (سایت Welt Hunger Hilfe). این جمعیت در ۲۰۲۴ از مرز ۸/۵ میلیارد نیز گذشته که در پنج قاره جهان چنین گسترده است: آسیا ۵۹ درصد، آفریقا ۱۸ درصد، آمریکا ۱۳ درصد، اروپا ۹ درصد و استرالیا ۱ درصد. از این جمعیت، ۶/۵ میلیارد نفر بالقوه قادر به کار هستند ولی ۶ میلیارد نفر در پروسه تولید فعال می‌باشند.

سرمایه‌داری همه این ۶ میلیارد را به کارگرفته است. یعنی تولید در سطح جهان کاملاً توده‌ای‌گشته و ثروت در نقاط کوچکی در چند کنسرن جهانی انباشت شده است. از کل جمعیت کارکن جهان در سال ۲۰۲۲ حدود یک میلیارد و ۳۶۶ میلیون نفر در هر ساعت ۰/۳۷ دلار مزد می‌گیرند. (خبرآنلاین - قرائت: ۲۲ فوریه ۲۰۲۴) بیش از ۳/۵ میلیارد نفر بین ۰.۰۳ دلار مثلاً در هند [هند با جمعیت ۱/۲ میلیارد نفر] تا حدود ۱ دلار در چین (چین: حداقل مزد ماهانه ۲۴۸۰ یوان. یوان = ۰/۱۴ دلار = مزد ساعتی ۱/۴ دلار) دریافت می‌کنند. حدود هشتصد میلیون نفر در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی بین ۵/۵ تا ۱۲/۵ دلار در ساعت مزد می‌گیرند. در کشور فنلاند نیز حداقل دستمزد از ۱۲ تا ۱۸ دلار پرداخت می‌شود. ولی گرانی در کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی این دستمزدهای بالا را خنثی می‌کند. چنانکه ملاحظه می‌شود، کل جمعیت فعال در پروسه تولید سازمان داده شده و اکثریت این جمعیت در فقر بی مثالی "زندگی" می‌کنند.

جمعیت حدود ۶ میلیاردی جهان در سال ۲۰۱۵، ۲۵۰ تریلیون دلار تولید کرده بود. (سایت دکتر سید رضا ابراهیمی) جمعیت ۸ میلیاردی جهان در سال ۲۰۲۲ حدود ۴۵۳/۶ تریلیون دلار تولید کرد (welt.de)

مقایسه این اعداد به روشنی نشان می‌دهند که با رشد نیروی مولده و پیشرفت ابزار

دستان دولت قرار دارد ولی وارد پول پایه و لذا نقدینگی نمی‌گردد. همه ثروت واقعی به دزدی و غارت می‌رود و حتی مردمان بسیاری در مناطق تحت تسلط گروه‌های تروریستی وابسته به رژیم ایران از بذل و بخشش‌های این رژیم در رفاه هستند ولی بودجه این کشور همیشه با کسری بالا و مردمان آن با فقر دائم‌التزاید روبه رو هستند. اینها عوامل مادی و قدرتمندی هستند که پایه‌های اساسی اقتصاد کشور را از کار می‌اندازد، در جامعه تورم انفجاری به وجود می‌آورد، و نارضایتی‌ها و جنبش‌های عظیم اجتماعی را از زمین اقتصاد و سیاست به اوج می‌رساند. از آنجائی که در ایران هر سال بیش از سال پیش بودجه کشور را با پول بدون پشتوانه سر راست می‌کنند و بدین طریق بر نقدینگی کشور می‌افزایند، جنبش‌های اجتماعی نیز هر سال بیش از سال پیش گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌گردند.

**مبارزه علیه سرمایه‌داری
فاشیستی داخلی جدا از
مبارزه علیه امپریالیسم
نیست**

**توهم نسبت به بورژوازی فرو
میریزد.**

حوادث بزرگی است که روی می‌دهد. که در این میان شناخت از دشمن طبقاتی و آلترناتیو جامعه سرمایه‌داری، نقش تعیین کننده‌ای در نزدیکی انقلاب سوسیالیستی ایفا می‌کند. در نتیجه برای درک مشخص از اوضاع مشخص فعلی جهان لازم است به طور مشخص این تضادها را بررسی کنیم:

- ۱- تضاد کار و سرمایه
 - ۲- تضاد سیستم سرمایه‌داری با درخواست‌های محفانه ملی
 - ۳- تضاد درونی سیستم سرمایه‌داری
- ۱- تضاد کار و سرمایه:**

این تضاد در عین حال که تضاد اساسی جهان است، امروزه تضاد عمده را نیز

هیچ دولتی به اندازه دولت آمریکا (به استثنای رژیم جمهوری اسلامی ایران) در تحمیل مردم‌اش تلاش نکرده است. اما همین مردم پرچم "ما ۹۹٪ هستیم" را در دست می‌گیرند و مارش خود را در خیابان‌ها آغاز می‌کنند. مبارزه جلیقه زردها، معلمان و اخیراً دهقانان و مبارزه هر روزه همه اقشار تحت ستم در فرانسه نشان می‌دهد که شک و تردیدها با سرعتی بی‌مانند نسبت به دشمنی دولت فرانسه با مردم این کشور در حال زوال است. در ایران این مسأله اظهارمن‌الشمس است. صدها میلیون هندی فقیر (۰/۰۳ دلار مزد ساعتی) علیه سرمایه‌داری و اشرافیت هند هر روز در مبارزه مرگ و زندگی هستند. کارگران و زحمتکشان کشورهای اروپایی علیه گرانی، رشد فاشیسم، محدودیت‌های اجتماعی "قانونی" خیابان‌ها را خالی نگذاشته‌اند. جهان در آتش مبارزه علیه دولت‌های سرمایه‌داری می‌سوزد. تمام این مبارزات با درگیری، زندان و کشتار توسط نیروهای مسلح دولتی رو به رو بوده و هستند. این درگیری‌ها آخرین باقیمانده‌های توهم را نیز از اندیشه عقب مانده‌ترین توده‌های زحمتکش میزداید و شرایط را برای درک ساختمان سوسیالیستی آینده بیشتر فراهم میسازد.

۲- تضاد سیستم سرمایه‌داری با درخواست‌های محقانه ملی

زمانی نه چندان دور انحرافی در جنبش مترقی و انقلابی جهان خود را بروز میداد؛ "حق ملل در سرنوشت خویش تا جدائی و ایجاد دولت مستقل" به تاریخ ملحق گشته است، تاریخ مصرف‌اش تمام شده است.

این انحراف نه فقط با بحث‌های پر شور کمونیست‌ها بلکه با عمل کرد سیستم جهانی سرمایه‌داری نسبت به ملیت‌ها، هر روز به ضعف میگراید. مبارزه مترقی ملیت‌های تحت ستم هیچگاه فروکش نکرده است. این ملیت‌ها هم توسط بورژوازی ملت حاکم و هم توسط بورژوازی همان ملیت سرکوب شده‌اند.

وقایع چند سال اخیر هیچ جای شکی در نقش مبارزه ملی در بالا رفتن آگاهی زحمتکشان و ریزش توهم نسبت به سیستم سرمایه‌داری و امپریالیسم باقی نمی‌گذارد. هر گاه امپریالیسم برای پیش برد اهداف‌اش تاکتیک مشخصی را در نقطه‌ای از جهان به کار میبرد، نیروهای علیه همان تاکتیک با شدت و قدرت قد علم میکنند.

برای اجتناب از کلی‌گویی، به بررسی منسجم برخی حوادث تاریخی ملی چند سال اخیر میپردازیم:

مسعود بارزانی برای تحکیم حاکمیت خود بر ملت کرد عراق، و امپریالیسم آمریکا برای تحکیم قلمرو اش بر دولت تازه پا گرفته عراق، روی خوش به همه پرسى مردم عراق در مورد استقلال از عراق یا ماندگاری در این قلمرو سیاسی، نشان دادند. در عین حال ظهور داعش در عراق انگیزه دیگری برای بارزانی و آمریکا در این مورد فراهم نمود.

همه پرسى عراق در ۱۳۹۶/۷/۳ (۵ سپتامبر ۲۰۱۷) با تأیید ۱۱ نیروی سازمان یافته بورژوازی کرد عراق، برگزار گردید. ۹۲/۷۲ درصد مردم کردستان عراق به استقلال عراق رأی مثبت دادند. در واقع اکثریت این مردم علیه ستم ملی رای دادند. مسعود بارزانی و دولت آمریکا تصور هم نمی‌کردند که غیر از ۱۱ نیروی فوق کسی از جایش برخیزد. لذا دولت عراق و آمریکا با نتیجه رأی گیری مخالفت کردند. این نیروی ضد ستم ملی، بارزانی را نیز به وحشت انداخت. این جنبش استقلال طلبانه با کمک ارتش عراق، نیروهای مرتجع بارزانی و تأیید دولت ایران، ترکیه و آمریکا سرکوب شد. تمام ملل در بند چشم به نتیجه رفتارندم در کردستان عراق دوخته بودند. آن‌ها دیدند که سرمایه‌داری از هر نوع‌اش چگونه با ملل در بند رفتار می‌کنند. آن‌ها دیدند که بورژوازی این ملت نیز دست کمی از دولت‌های سرمایه‌داری در سرکوب ملت خود ندارد. این مسأله هنوز مورد بحث و جدل بود که مسئله کاتالونیا پیش آمد. این ملیت نیز همه

پرسی را در ۱ اکتبر ۲۰۱۷ به انجام رساند. ۹۰ درصد مردمی که توانستند در رأی گیری شرکت کنند به استقلال رأی مثبت دادند ولی مسئول ایالتی کاتالونیا پروسه استقلال را متوقف کرد و به بدهستان با دولت اسپانیا مشغول شد. پلیس و همه مرتجعین کشورهای اطراف به سرکوب این جریان استقلال طلبانه پرداختند. همه مردم مترقی جهان بار دیگر دیدند که سرمایه‌داری با هر حرکت مترقی ملی مخالف است.

مردم اوکراین از پس از به حاکمیت رسیدن خروشچف در اتحاد شوروی، تحت فشار و تضيیقات فاشیست‌های وطنی قرار گرفتند. از ۲۰۱۴ با به حاکمیت رسیدن فاشیست‌ها زحمتکشان اوکراین و خصوصاً روس‌های ساکن در اوکراین روزگار سختی را از سر می‌گذرانند. حزب کمونیست اوکراین توانسته بود آرام آرام در بین مردم نفوذ کرده، خود را گسترش داده و شرایط مساعدی را برای مبارزه متشکل علیه فاشیسم حاکم به وجود آورد. روسیه امپریالیستی با انگیزه مبارزه علیه گسترش ناتو، که واقعاً هم برای امنیت سرزمین روسیه تهدیدی بوده و هست، در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کرد. این حمله امپریالیستی به طور هدفمند فاشیست‌های حاکم بر اوکراین را مورد حمله قرار نداد. بلکه این حمله به کشتار صدها هزار نفر و بی‌خانمانی میلیون‌ها اوکراینی و کشته و زخمی شده هزاران سرباز روسی تمام شد. در واقع امپریالیسم روس به مردم اوکراین و سرکوب آن‌ها پرداخته است. حمایت امپریالیسم آمریکا و اکثریت کشورهای اروپایی از فاشیست‌های اوکراین و تقویت آن‌ها با صدها میلیارد دلار و انواع و اقسام سلاح‌های کشتار جمعی، مردم اوکراین را به مرز مرگ و نیستی کشاند. مردم مترقی جهان با چشمان گشاده این حوادث را تعقیب کردند و ماهیت جنایت کارانه سرمایه‌داری را در حوادث این کشور و تأثیر مخرب آن را بر کل جوامع بشری دیدند و لمس کردند. میلیون‌ها از

برای اکثریت مردم جهان جز فقر و مرگ و نیستی حاصلی ندارد. این دو دولت امپریالیستی حامل بزرگترین بحران‌های اقتصادی در جهانند.

این جنگ خانمان برانداز اقتصادی، یک جنگ فرسایشی سیاسی - نظامی را روز افزون دامن میزند. این دو دولت بزرگترین زرادخانه‌های جهان را با خوفناکترین سلاح‌های کشتار جمعی در انبارهای خود ذخیر کرده و علیه هم و علیه مردم دنیا از آن استفاده میکنند. بودجه نظامی آمریکا برای سال ۲۰۲۳ حدود ۸۵۸ میلیارد دلار و بودجه نظامی چین ۲۲۴ میلیارد دلار بود. آنها این مقدار عظیم از ثروت جهانی را برای کشتار مردم جهان اختصاص داده‌اند.

این تنش که شکل مشخص آن در حضور نیروهای دریایی آمریکا در دریای چین و تلاش چین برای تصرف تایوان نمود مییابد، اکثر مردم جهان را به اعتراض واداشته و هر روز نسبت به این دو ابر قدرت امپریالیستی واکنش خشم‌آلودترین نشان می‌دهند. ماهیت جنایت کارانه امپریالیسم آمریکا را همه مردم جهان شناخته و توهمی در ضد مردمی آن ندارند ولی دولت چین با اقدامات ضد مردمی‌اش، ضد ملی‌اش و حرص و طمع سودجویانه‌اش کم کم چشم مردم دنیا را نسبت به خود باز کرده و تبلیغات عوامفریبانه آن در اشکالی مثل تجلیل از مائوتسهدون فقط میتواند عقب مانده‌ترین و کودن‌ترین انسان‌ها را فریب دهد.

تضادهای کشورهای امپریالیستی هر ازگاهی در نقطه‌ای از جهان سربرمی‌آورد: یک روز در عراق، یک روز در افغانستان، یک روز در اوکراین و روز دیگر و یا همان موقع در غزه و... مردم در تجربه خود دریافته‌اند که هر تنش بین این قدرت‌ها باعث بی‌خانمانی بیشتر و بحران عمومی جهانی عمیق‌تری میگردد و از مسببین آن منجر میگردند. این انزجار در شکل تظاهرات میلیونی علیه همه این قدرت‌ها در خیابان‌ها خود را نشان میدهد. با هر تنش جدید در یک منطقه جدید تعداد بیشتری از مردم جهان

امروزه بزرگترین درگیری که سرنوشت کل جوامع بشری را رقم میزند، رقابت اقتصادی، تسلیحاتی و منطقه‌ای چین و آمریکا است. این رقابت هر روز آنها را بیشتر مستقیماً در مقابل هم قرار میدهد و بشریت را به یک جنگ هولناک امپریالیستی نزدیکتر میسازد.

کل واردات کشورهای جهان در سال ۲۰۲۲ بیش از ۲۵/۶۲۱ هزار میلیارد دلار بوده است. (سایت عصر ایران) و صادرات کل جهان ۲۴/۹۰۰ هزار میلیارد دلار رقم خورده است. (تجارت نیوز)

کل صادرات چین در همین سال ۳،۵۹۲ هزار میلیارد دلار یعنی ۱۴،۴۲ درصد کل صادرات جهان بوده است. واردات این کشور در ۲۰۲۲ حدود ۲،۷۱۵ هزار میلیارد دلار یعنی ۱۰،۷ درصد کل واردات جهان (economic.mfa.ir) محاسبه شده است.

کل صادرات آمریکا در ۲۰۲۲ حدود ۲،۱ هزار میلیارد دلار (فرارو) و واردات آن در همان سال ۳،۳۷۶ هزار میلیارد دلار رقم خورده است. (عصر ایران)

در نتیجه، چین در صادرات مقام اول و آمریکا مقام دوم را دارند. برعکس در واردات آمریکا مقام اول و چین مقام دوم را دارد. کل تجارت آمریکا و چین از «ماه ژانویه تا نوامبر سال جاری [۲۰۲۲] میان دو کشور به ۶۸۲.۳۲ میلیارد دلار رسیده» است. (ایرنا)

این دو دولت در جنگ اقتصادی هستند. هر کدام از آنها تعرفه‌های گمرکی اجناس وارداتی طرف مقابل را بالا میبرد و برای طرف مقابل چه در صادرات و چه در واردات مشکلات اقتصادی عظیمی به وجود می‌آورد. بحران اقتصادی ناشی از جنگ اقتصادی بین چین و آمریکا آنچنان در کل اقتصاد جهانی تأثیر بحران‌زائی دارد که مرگ و میر ناشی از گرسنگی که این بحران فراهم میکند گاهی بیش از درگیری‌های جهانی بین دو قدرت بزرگ امپریالیستی میباشد. این جنگ اقتصادی

مردم عصیان زده کشورها در حمایت از مردم اوکراین و علیه فاشیست‌های این کشور، روسیه و امپریالیست‌های اروپایی و آمریکا به خیابان‌ها آمدند و نشان دادند که دیگر توهمی نسبت به تبلیغات آمریکائی و اروپائی در مورد دفاع از "دمکراسی" در اوکراین ندارند. نشان دادند که مخالف حمله روسیه به این ملت ستم دیده و مبارز هستند. هنوز دو سالی از این حوادث نگذشته بود که فاشیست‌های اسرائیلی با انگیزه حمله گروه تروریستی حماس به اسرائیل، نسل کشی یک ملت تاریخی و مبارز را آغاز کردند و تا به امروز آن را ادامه می‌دهند. به نظر میرسد لازم به توضیح نباشد که این حوادث تا چه اندازه چشمان مردم را به ماهیت جنایت کارانه فاشیست‌های اسرائیلی و همه کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی از آمریکای جنایت کار تا کشورهای جنایت کار اروپائی، تا چین و روسیه امپریالیستی، تا هند و ایران فاشیستی، باز کرد. این حوادث توهم نسبت به سازمان ملل را نیز در بسیاری از مردم از بین برد همه دیدند که سازمان ملل بیشتر تحت حاکمیت و فرمان آمریکا و نیروهای مرتجع است. همه دیدند که این سازمان پر خرج فقط نظاره‌گر نسل کشی است.

۳- تضاد درونی سیستم سرمایه‌داری

در سیستم جهانی سرمایه‌داری که از ۱۲۴ سال (م ۱۹۰۰) پیش به مرحله امپریالیسم تکامل یافته است، رقابت مرگ و زندگی اساس سیاست خارجی تمام کشورهای سرمایه‌داری است. این رقابت‌ها میتواند اشکال متنوعی به خود بگیرد؛ درگیری مسلحانه مثل دو جنگ بزرگ جهانی و یا جنگ‌های نیابتی بین قدرت‌های بزرگ مثل درگیری شوروی و کل اروپا و آمریکا در اوکراین و یا رقابت اقتصادی، این رقابت در مراحل میتواند برای جامعه جهانی خطرناکتر از درگیری مسلحانه باشد و در آن میلیون‌ها نفر جان خود را از دست بدهند. مثل رقابت اقتصادی چین و آمریکا.

بخش بسیار بزرگی از درصد کل آراء ادعائی را تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن تعداد بسیار زیادی آراء "مخدوشه" و سفید در صندوق‌ها ریخته شد. در یک محاسبه تقریباً دقیق می‌توان گفت که بین ۴ تا ۱۰ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند به بیان دیگر ۹۰ تا ۹۴ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت نکردند.

بدین ترتیب تلاش رژیم برای سرهم بندی کردن مدرکی که بتواند در سطح بین‌المللی مشروعیت خود را نشان دهد، آشکارا به شکست مفتضحانه‌ای انجامید. هنوز توطئه انتخابات علیه مردم زحمتکش و آزاده کشور پایان نیافته بود که شیادان دیگری سعی کردند طور وابستگی و عبودیت را به صورت "کنفدراسیون کار ایران" بر سر طبقه کارگر ایران پهن کنند. ولی آگاهی طبقه کارگر و مردمان مترقی و آزاده در آن سطحیست که این توطئه‌ها را در هر شکل و شمایی در نطفه افشا و طرد می‌کنند.

انقلاب امر توده‌های میلیونی کار و زحمت است

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی

صنفا و هم چنین اقدام به فراکسیون‌بندی، شدیداً مورد انتقاد لنین قرار گرفته بود، با پیشنهاد لنین به سمت دبیر کل حزب انتخاب شده بود. آن نامه‌ها که بعدها عده‌ای بر آن نام، وصیت نامه لنین نهادند، خطاب به کمیته مرکزی بود و برای انتشار بیرونی نبود. دارودسته تروتسکی آن نامه‌ها را از طریق ایستمن آمریکائی در کتابی به نام، بعد از مرگ لنین "به چاپ رساند. دارودسته

آنچه این حرکت دوران ساز را کند مینماید، عدم وجود یک انترناسیونال کمونیستی منسجم و متحد، عدم وجود احزاب کمونیستی واقعی در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داریست. ولی رشد آگاهی طبقه کارگر، هم جنبش کمونیستی را مجبور به اتحاد میکند و هم نفوذ این جنبش را در درون این طبقه شدت میبخشد.

آینده تابناک است و راه پر پیچ و خم. از سختی‌ها و مرگ نهراسیم (مائو تسه‌دون)

حزب کمونیست راستین

ایران

شکل سازمانی

ایدئولوژی پرولتاریاست

مضحکه "انتخابات" رژیم سرمایه‌داری ایران مفتضحانه شکست خورد.

دریافته‌اند که رژیم ایران برای آنها یک دشمن مسلح است. دریافته‌اند که گرسنگی مردمان زحمتکش ناشی از دزدی و چپاول خانمان برانداز دولت مردان این حکومت است، دریافته‌اند که فرزندان‌شان را این دولت زندانی کرده، شکنجه داده و یا اعدام نموده است. زنان زحمتکش و مترقی کشورمان روزانه با دشمنان خود در لباس پاسداران و عفاف‌گران دولتی در مبارزهای بی امان هستند و برای آن هزینه‌های سنگینی میپردازند.

اینها موضع مردم کشورمان را تعیین کرده‌اند. این مردم آزادانه به سمت صندوق‌های رأی نخواهند رفت. زیرا آنها رژیم جمهوری اسلامی را با تمام دستگاه‌های عریض و طویل نظامی و روحانی‌اش نمی‌خواهند.»

هنوز "شمارش آراء" پایان نیافته بود که دغل بازی دیگری در انتخابات افشا شد. بسیاری از مردان و زنانی که در خانه خود نشسته و در رأی گیری شرکت نکرده بودند، "آراء"شان از صندوق‌های رأی سر درآورد. و این آراء جعل شده

آگاه شده، توهم‌ها فرو ریخته و مبارزه و همبستگی مردم در عمق و سطح گسترده‌تر علیه این کفتاران شکل می‌گیرد. یکی از نکات مثبت در این اوضاع، حضور جنبش کمونیستی در جهان است، جنبشی که تمام دول بورژوازی در نابودی آن کوشیدند ولی شکست خوردند. نکته مثبت دیگر این است که طبقه کارگر در سطح جهانی چندین سازمان طبقاتی خود را شکل داده و توسط آنها تا اندازه‌ای خود را همگون ساخته است.

دیگر نکته مثبت تشکل بالاتر طبقه کارگر جهانیست که ناشی از مبارزات آن علیه قدرت‌های امپریالیستی، بالا رفتن سطح آگاهی آنها و حضور جنبش کمونیستی در این جنبش‌های کارگریست.

آگاهی امروزه مردم جهان از دشمنانش و دوستانش، از ضرورت تشکل برای کسب پیروزی، با آگاهی مردم در ده سال پیش قابل مقایسه نیست. امروزه خشم و نفرت مردم از آمریکا، چین، روسیه، کشورهای اروپائی، کشورهای سرمایه‌داری فاشیستی در اقصا نقاط جهان مثل رژیم‌های فاشیستی در ایران و اسرائیل، ترکیه و غیره آن چنان است که با هر تنش کوچکی میلیون‌ها نفر به صحنه می‌آیند و هزینه آن را هم میپردازند.

توهم نسبت به سرمایه‌داری در هر شکل و قواراش هر روز بیشتر زوده می‌گردد و مردم هر روز بیشتر علیه دشمنان خود متشکل می‌گردند.

نتیجه: آگاهی مردم از خودشان، دشمنانشان و پیدا کردن اشکال نوین مبارزه هر روز بالاتر می‌رود. توهم نسبت به امپریالیسم و کلاً سرمایه‌داری دم افزون فرو میریزد و مبارزه در اشکال متنوع در ابعاد میلیاردی گسترش می‌یابد. این حرکت که ناشی از شدت یابی تضاد کار و سرمایه، خوی سرکوبگرانه سرمایه‌داری چه در صحنه ملی و چه در صحنه جهانی و رشد تضادها در سیستم جهانی سرمایه‌داریست،

هر روز ما را به انقلاب سوسیالیستی در سطح جهانی نزدیک‌تر می‌کند.

«سؤال ۱۰ - آیا درست است که اپوزیسیون، امکان ساخت سوسیالیسم در کشورمان را نفی میکند؟ (پاسخ)- این اتهام نادرست و متکی به فرموله کردن نادرست خود مسأله است... اپوزیسیون عمیقاً معتقد به پیروزی سوسیالیسم در کشورمان است» (مقاله تروتسکی: اپوزیسیون روسیه - پرسش‌ها و پاسخ‌ها). ناگفته نماند که پس از اخراج از کشور شوراها، مجدداً همان نظریه واقعی خود را دنبال کرد، که نتیجه‌اش همان بود که در بخش پیشین خواندیم. تروتسکی مدتی بعد تلاش کرد خود را، «پرچم دار مبارزه با بوروکراسی نشان دهد و حزب را متهم به بی‌توجهی می‌کرد. این ادعا در حالی بود که همدستان تروتسکی، بدترین بوروکرات‌های بالا مقام بودند و همان طور که در پیش دیدیم، علاوه بر بوروکراسی، در خرابکاری نیز دست داشتند. به مبارزه علیه بوروکراسی همواره از سوی لنین، استالین و کمیته مرکزی اشاره شده بود، و لیکن در کشوری که با جنگ داخلی و ده‌ها معضل اقتصادی و سیاسی درگیر بود، موفقیت نمی‌توانست به فوریت باشد. استالین در کنگره پنزدهم، این چنین به معضل بوروکراسی اشاره میکند: «در این که عناصر بوروکراتیسم هم در دستگاه دولتی، هم در دستگاه کنوپراتیفی و هم در دستگاه حزبی ما وجود دارد نمی‌توان تردیدی داشت و نیز این که، مبارزه با عناصر بوروکراتیسم ضروری است و این که این وظیفه تا وقتی که قدرت دولتی و دولت وجود دارد، پیوسته در مقابل ما خواهد بود، نیز خود واقعیتی است... نقطه‌ی ضعف دستگاه دولتی ما کدام است؟ وجود عناصر بوروکراتیک در آن، که کار آن را خراب کرده و مختل می‌سازند. برای طرد بوروکراتیسم از این دستگاه - که در ظرف یکی دو سال عملی نیست - باید دستگاه دولتی را به طور سیستماتیک بهبود بخشید، آنرا به توده‌ها نزدیک ساخت، آن را با افراد نوینی که به راه طبقه کارگر وفادار

نامه‌ای از خود به جای نگذارده است، چون روابطی که نامبرده با حزب داشت و یا مناسبات داخلی حزب به طریق اولی اصلاً لزوم تهیه یک چنین وصیت نامه‌ای را ایجاب نمی‌کرد. ولی در رسانه‌های مهاجران و یا همان مطبوعات بورژوائی - منشویکی خارج از کشور، وقتی از "وصیت نامه" صحبت می‌کنند، در واقع به یکی از همین یادداشت‌های ولادیمیر ایلیچ اشاره دارند که حاوی توصیه‌های نامبرده درباره مسایل درونی تشکیلات حزبی هستند... کنگره ۱۳ حزب توجه زیادی به این یادداشت‌ها کرده و به تناسب اوضاع و احوال جاری تصمیماتی هم درباره آن‌ها اتخاذ نمود. پس با این تفصیل، تمامی داد و قالی که درباره "وصیت‌نامه" مخفی و ساختگی به راه افتاده، افتراهائی خصمانه هستند که نه با تمایلات ولادیمیر ایلیچ و نه با منافع حزبی که او خود آن را به وجود آورده، قرابتی دارند» (نامه تروتسکی چاپ شده در شماره ۱۶ نشریه "بلشویک" به تاریخ اول سپتامبر ۱۹۲۵). دورویی تا چه حد!! ماکیاولیسم چنین مواضع ضد و نقیضی و مقتضی با منافع لحظه‌ای را توجیه میکند، چه این که، بنا بر اعتقاد تروتسکی - وسیله را فقط هدف می‌تواند توجیه کند. تروتسکی از اخلال در حزب دست برنمی‌داشت و در همان حالی که مباحث حل شده برای حزب و یا برنامه‌های در دستور کار را مجدداً به جدل می‌گذاشت، مخفیانه به تقویت فراکسیون خود در داخل و خارج از حزب ادامه میداد. یکی از مسایلی که حزب را برای مدتی درگیر کرد، بحث امکان ساختمان سوسیالیسم در شوروی بود. او در این باره مقالات می‌نوشت و جلسات مخفیانه تشکیل می‌داد تا در امکان ساختمان سوسیالیسم در شوروی و پیشروی برنامه‌های حزب تأخیر به وجود آید. اما زمانی که اکثریت قاطع حزب علیه او برخاست و در سال ۱۹۲۶ فقط اندکی بیش از نیم درصد رأی آورد به یک باره مدعی شد که:

تروتسکی، سند درونی حزبی را به انتشار عمومی رساند که تخلفی بزرگ و اقدامی ضد حزبی بود. با وجود این که این نامه‌ها در کمیته مرکزی و کنگره ۱۳ حزب طرح شده بودند، تروتسکی سالیانی بعد، در تبعید، به دروغ مدعی شد که «استالین دست بالا شاید در بایگانی‌اش به "وصیت‌نامه‌ی" لنین برخورد کرده باشد که آن را از حزب و پرولتاریای بین‌المللی پنهان می‌دارد (زندگی من). واقعیت کاملاً خلاف آن چیزی است که تروتسکی بعدها مدعی شد. پس از انتشار بیرونی سند حزبی، تروتسکی برای فریب کمیته مرکزی و اعضای صدیق و راستین حزب، مجبور به انتشار یک اطلاعیه بیرونی شد که در شماره ۱۶ نشریه "بلشویک" در سال ۱۹۲۵ به چاپ رسید. بخشی از این اطلاعیه به قلم تروتسکی چنین است: «ایستمن در به اصطلاح کتاب خود می‌گوید که کمیته مرکزی یک سری اسناد خیلی مهم را، اسنادی که لنین در آخرین لحظات حیات خود نوشته - نامه‌های او درباره مسایل ملی و... و یا همان "وصیت نامه" لنین - را از حزب "مخفی" نگهداشته است. ولی این یک اتهام به کمیته مرکزی حزب ماست. به زعم ایستمن، گویا ولادیمیر ایلیچ این نامه‌ها را برای رسانه‌ها نوشته بود! حال آن که این نامه‌ها حاوی توصیه‌هایی درباره‌ی مسایل داخلی حزب هستند و از این جا معلوم که ادعای ایستمن در این ارتباط اصلاً حقیقت ندارد. از قضا ولادیمیر ایلیچ در دوران بیماری خود، تنها با نهادهای رهبری حزب تماس داشت و پیشنهادها و نامه‌های خود را فقط از این طریق برای کنگره می‌فرستاد. شکی نیست که این نامه‌ها، که تمام آن‌ها در اختیار نمایندگان کنگره ۱۳ حزب قرار گرفتند، مثل همیشه بر روی تصمیمات حزبی، اثرات قابل فهمی داشته‌اند. اما عدم انتشار آن‌ها به این خاطر بود که نگارنده، این نامه‌ها را برای رسانه‌ها نوشته بود. به علاوه، ولادیمیر ایلیچ اصلاً هیچ "وصیت

باشند، نو ساخت و سازمان آن را طبق روح کمونیسم تغییر داد، نه این که منهدم و بی اعتبارش ساخت» استالین پس از اشاره به نمونه‌هایی از این بوروکراسی که به کارگران و دهقانان، لطمه زده است، نتیجه‌گیری می‌کند: «رفقا آخر این برای ما ننگ است! چگونه می‌توان یک چنین افتضاحی را تحمل نمود؟ وظیفه‌ی حزب آنست که ضمن مبارزه علیه بوروکراتیسم و در راه بهبود دستگاه دولتی، در عین حال یک چنین افتضاحاتی را در کار عملی ما، که هم اکنون از آن‌ها سخن راندم، با آهن گداخته ریشه سوز نماید....
ادامه دارد



بیشتر از مرگ بترسیم

نظر به اینکه موفق نمیشوید ما را دستمزدی کافی دهید خود کارگاه‌ها را در اختیار خواهیم گرفت. نظر به اینکه بدون شما ما را نان کافی خواهد بود نظر به اینکه با توپ و تفنگ نظر به اینکه تهدید میکنید ما را تصمیم ما بر اینست کز زندگانی بد بیشتر از مرگ بترسیم.

به گفته‌های دولت ایمان نداریم

زین پس مصممیم رهبری را خود در دست گیریم و دنیای بهتری سازیم. نظر به اینکه تنها زبان توپ را آشنا هستید و به زبان دیگری تکلم نمیکنید ناچار خواهیم بود لوله‌های توپ را به طرف شما برگردانیم

برتولت برشت



شیوه تفکر یک خرده بورژوا : غیبت کردن یکی از خصوصیات برجسته یک خرده بورژواست. او قادر است بنشیند و ده‌ها ساعت پشت سر یک نفر بد گوئی کند ولی اگر کسی پشت سر او کمبودش را بیان کرد، تا ابد در ذهنش از او انتقام می‌گیرد.

پرولتاریای جهان متحد شوید!

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!

حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!

تروتسکیسم را از صفوف خود طرد کنیم!

به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!

پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا

پیروز باد دولت شورائی کارگران و تهیدستان